

## اجتماعی ساختن محیط تربیتی

مشکلات تربیتی ، در مواردی ناشی از نادرست بودن رفتار تربیت کنندگان است . بسیاری از پدیدارهای مدرن در امر بارآمدن در محیط‌های تربیتی ناقص و ناسالم ، بطور ناخود آگاه کودکان را بطور صحیح و اصولی تربیت نمیکنند .

خطاهای تربیتی از نسلی به نسلی انتقال می‌یابد .

پدر و مادرانی که در دوران کودکی با زور و تهدید تربیت شده‌اند ، بطور مسلم ، در تربیت فرزندان خود متوسل به خشونت خواهند شد .

واژه‌های عامی توان یک قانون کلی تربیتی را استنباط کرد و آن اینست که از رفتار افراد نسبت به دیگران ، می‌توان فهمید که خود درجه محیطی تربیت شده و کیفیت تربیتی آنان چگونه بوده است . اگر از مشکلات تربیتی که ناشی از مریضان است در گذریم ، در مواردی هم دشواریهای تربیتی ، مملول روش‌های غلط تربیتی است که بفاصله در نظر عموم مستحسن ، جلوه گر شده است . و مادرا اینجا بدوروش غیر صحیح اشاره کرده ، در خاتمه متدوروش صحیح و اصولی ، که باید بود اقتباس همه مریضان قرار گیرد . بطور اجمال بیان خواهیم کرد :

\* \* \*

### انضباط

اولین روش عبارت از متمدن انضباط است ، هدف اساسی در این نوع روش ، بار آوردن افراد با انضباط است ، افراد باید در حرف زدن در کار کردن در خوابیدن در مطالعه کردن در غذا خوردن ، اصول انضباط را رعایت کنند ، نحوه و روش تربیتی ، نظامی و خشک است . انسان از خود ابتکار و قدرتی ندارد ، تابع نظام انضباطی است ! و به عبارت روشن تر ، هر قدر تمایلات فردی کوییده تر شده ، مجال تفکر و اندیشه از او بیشتر گرفته شود این نظام با موفقیت قرین تر خواهد بود .

ممکن است عده‌ای از کودکان ، با بدروش تن دردهند ، و شرایط آنها پذیرند ، ولی باید حساب کرد که وضع آینده این عده در زندگی اجتماعی چگونه خواهد بود؟ آیا افرادی موفق خواهند بود ؟ یا از کسانی خواهند بود که همانند پیچ و مهره ، از خود ابتکار و قدرتی نخواهند داشت ؟ از این گذشته ، بسیاری از نظر روحی باروش انضباط سازگاری ندارند ، بدیهی است که انضباط خشک نار و پرود آنها را بیشتر بیاد خواهد داد ، جهان عده در برابر شدت انضباط شورش میکنند ، در برابر قدرت پند ی سخت ایستادگی نمی نمایند . اشخاصی که فقط با انجام کارهای محدود و معین و تکراری قادر بوده ، بدون آنکه از کمترین تحویل و تذکر در کار خود استفاده نمایند ، وقتش به درسانی خود پی خواهند برد ، که در موقعیت تازه‌ای قرار گرفته باشند ، موقعیتی که مستلزم ابتکار و ایجاد تازه‌گیاست . در آن حال در میمانند ، و نمیدانند که چه کنند ، و چگونه باوضع جدید روبرو شوند ؟

### لطافت و محبت

دروس دوم عبارت از توجه و اظهار محبت بی حد و حس است ، در این نوع دروس سعی میشود ، به تربیت شوندگان محبت فوق‌العاده‌ای ابراز شود . باسراحت باید اعتراف کرد که این دروس هم دارای معایبی است . در این دروس یک نقص مشترک وجود دارد و آن عبارت است از اینکه در حوادث غیر معمولی و نوظهور ، این گونه کودکان در میمانند ، چه کودکانی که باروش انضباط و محبت فوق‌العاده تربیت شده‌اند ، افرادی اتکالی و تابع دیگران باری آیند چه عامل رفتار در روش اول انضباط و در نوع دوم محبت ، عامل کشش و انزجار است ، چنین افرادی خودشان نمیتوانند تصمیم بگیرند . بنابراین باید سعی کرد در موازات این دروس غلط ، راه سومی را انتخاب کرد که علاوه بر تحریک فرد ، این نقائص را در بر نداشته باشد . «وینت» میگوید : «باید انسان را طوری پرورش داد که سرور خود باشد ، تا بتواند بهتر و بیشتر از همه وقت ، به دیگران خدمت کند . در اینجا باید توجه داشت که اگر کار و فعالیتی تحصیل شده باشد جنبه دستوری خواهد داشت ولی اگر همین کار با شخصیت انجام دهنده ارتباط داشته باشد ؛ بدون آنکه انجام دهنده دچار انگیزه خارجی شود ؛ خود بخود آن کار را انجام خواهد داد . وقتی انسان وظیفه‌ای را که پذیرفته است ، از آن خود بداند ، و با جسم و جان همان دل بسته باشد ، انجام دادن آن عالیترین و شریفترین شکل کار و فعالیت است .

کودک و نوجوان ، دارای نیروی تحرک داخلی است که او را وادار میکند همه چیز را در مکتب خود درآورد . باید از دوران کودکی بگوید که همانند ، که آزادی هر انسان دائماً بر اثر آزادی دیگران به محدودیت می‌گراید ، باید انسان از کودکی اندک اندک با چنین مفهومی آشنا شود ، و آنرا بیاموزد ، چوقتی ، این مفهوم خوب یاد گرفته میشود ، که مورد تجربه واقع شده باشد ، ابتکار مرئی اعم از مسلم ، پدر ، مادر و محیط اجتماعی ، باید این باشد ، که آنچه را که می خواهد بدست برورده خود بیاموزد . با انسان خود جوش که در حکم عاشقین خود کاری است بیوفزده مثل سازد ، با این ترتیب کار و تحصیل بصورت واقعیت بخشیدن بنمایمالات در می آید ، و انسان آنها را دوست خواهد داشت .

بنابر این مسئله اجتماعی ساختن محیط پرورشی ، عبارت خواهد بود از اینکه همه فعالیت های کودک متضمن جنبه‌های تعاون و مساعدت به دیگران باشد ، بتدریج وزنه کفه تسلط بر دیگران کاهش خواهد یافت ، در نتیجه روابط بین فرد ، دیگران مشخص و معین خواهد شد ، شک نیست که این نوع فعالیت اجتماعی که بنظر بزرگسالان بمنزله اجبار و فشار هستند ، در نظر کودک در زمان جلوه گر میشوند چه از سطحی که بازندگی وی بیگانه باشند ناشی نمیشوند ، و از مقررات یا تنویدی که ناشی از نظام پاداش و کیفر است فرسنگها فاصله دارند . در این صورت چنانچه بنگه روشها ، عزیزترین بصورت آمرانه و خشن و بیگانه قیامه هولناک خود را به وی نشان دهند با چهره‌ای آشنا و گرم در ذهن وی قدم میگذارند چه وقتی دستورهای اخلاقی با احتیاجات و تمایلات تعاون انسان مرتبط باشد انسان با آغوش باز آن استقبال خواهد کرد .

از سید محمد حسین شهریار

از کلمات قصار مولانا علی علیه السلام

## نهان و عیان

تو با یاد خدا گر خود نکو داری نهانت را  
خدا هم در رخ مردم نکو دارد عیانت را  
بکار آنجهانت گر بدل اندیشه‌ای باشد  
خدا را نیز اندیشه است کار این جهانانت را  
میانت با خدا گر صلح باشد ، نامرادی نیست  
خدا اصلاح خواهد داد با مردم میانت را